

## نگاهی بر شبهه ی وهابیت درباره ی بدعت بودن جشن میلاد پیامبر اعظم (ص)

### سخنان و فتاوی وهابیت در بدعت جشن ولادت

فتاوا و سخنان توهین آمیز آنان در این باب فراوان است، و تنها از باب نمومه دو مورد آن ذکر می‌نماییم:

#### ۱. ابن تیمیه :

ابن تیمیه از زمینه سازان فکری جریان وهابیت در این باره می‌گوید :

إن اتخذ هذا اليوم عيداً ، محدثٌ لا أصل له ، فلم يكن في السلف لا من أهل البيت ولا غيرهم من اتخذ ذلك عيداً ، حتى يحدث فيه اعمالاً إذ الأعياد شريعة من الشرائع فيجب فيها الاتباع لا الابتداع وللنبي خطب وعهود ووقائع في أيام متعددة مثل يوم بدر وحنين والخندق وفتح مكة ووقت هجرته ودخوله المدينة وخطب له متعددة يذكر فيها قواعد الدين ثم لم يوجب ذلك أن يتخذ مثال تلك الأيام أعياداً وإنما يفعل مثل هذا: النصارى الذين يتخذون أمثال أيام حوادث عيسى(عليه السلام) أعياداً أو اليهود ، وإنما العيد شريعة فما شرعه الله اتبع وإلا لم يحدث في الدين ما ليس منه.

وذلك ما يحدثه بعض الناس اما مضاهاةً للنصارى في ميلاد المسيح ، واما محبةً للنبي(صلى الله عليه وآله) وتعظيماً له . . فإن هذا لم يفعله السلف ، ولو كان خيراً محضاً أو راجحاً لكان السلف أحقّ به منّا»

عید گرفتن روز ولادت پیامبر (صلي الله عليه وآله) را يك امر جديد و اساس ندارد. در میان گذشتگان و نیز اهل بيت و غير آنها کسی نبوده است که این روز را عید بگیرند و اعمالی را انجام داده باشند؛ زیرا عید گرفتن، شریعتی از شریعت های اسلام است؛ پس باید در این موارد از شرع متابعت کرد نه این که از نزد خود بدعت گذاری کنیم. رسول خدا در وقایع متعددی همانند: روز بدر، حنین، خندق، فتح مکه، موقع هجرت، هنگام ورود به مدینه خطبه های و عهد نامه های متعددی دارد که اصول و پایه های دین را بیان کرده اما عید گرفتن در امثال این روزها را واجب نکرده است.

شبهه این کارها را نصاری (مسیحیت) انجام می‌دهند و ایامی را که برای حضرت عیسی علیه السلام اتفاق افتاده، جشن و عید می‌گیرند. و نیز یهود. عید، شریعتی است که خداوند آن را تشریح کرده، پس آنچه را خدا تشریح کرده پیروی کرد و گرنه نباید در دین چیزی که از داخل دین نیست بر آن افزود.

و نیز برخی از مردم کاری جدیدی انجام می‌دهند یا به خاطر تشبه به نصارا در ولادت عیسی یا به خاطر محبت و تعظیم پیامبر اسلام صلي الله عليه و آله ...

عید گرفتن را گذشتگان انجام نداده اند، اگر اینها کار خیر محض و یا راجح بود، باید گذشتگان انجام می‌دادند و نسبت به آن سزاوارتر از ما بودند.

(ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، اقتضاء الصراط المستقیم مخالفة أصحاب الجحیم، ج ۱، ص ۲۹۴، تحقیق:

محمد حامد الفقی، دار النشر: مطبعة السنة المحمدية – القاهرة، الطبعة: الثانية ۱۳۶۹ )

«بن باز» از مفتیان فقید و هابیت است. درباره حکم جشن ولادت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) از وی سؤال شده که در پاسخ، این جشن را بدعت شمرده است. متن استفتاء و پاسخ این او به نقل عبد الرحمان بن اسماعیل ابو شامه در کتاب «الباعث علی انکار البدع» این است:

#### السؤال الأول

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهداه أما بعد فقد تكرر السؤال من كثير عن حكم الاحتفال بمولد النبي صلى الله عليه وسلم والقيام له في أثناء ذلك وإلقاء السلام وغير ذلك مما يفعل في المولد.

والجواب أن يقال لا يجوز الاحتفال بمولد الرسول صلى الله عليه وسلم ولا غيره لأن ذلك من البدع المحدثه في الدين لأن الرسول صلى الله عليه وسلم لم يفعله ولا خلفاؤه الراشدون ولا غيرهم من الصحابة رضوان الله على الجميع ولا التابعون لهم بإحسان في القرون المفضلة وهم أعلم الناس بالسنة وأكمل حبا لرسول الله صلى الله عليه وسلم ومتابعة لشرعة ممن بعدهم

وقد ثبت عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد أي مردود عليه وقال في حديث آخر عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين من بعدي تمسكوا بها وعضوا عليها بالنواجذ وإياكم ومحدثات الأمور فإن كل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة.

سؤال نخست: حمد مخصوص خداست و سلام و درود بر رسول خدا ، اهل بیت واصحابش و کسانی که به هدایت آنان اقتدا کرده اند. اما بعد: بسیاری از افراد در باره جشن ولادت پیامبر صلی الله علیه وآله و برخاستن برای تعظیم آن حضرت در این جشن و سلام کردن به آن حضرت و غیر آن، که در این جشن انجام می‌دهند، مکررا سؤال می‌کنند.

پاسخ: باید گفت: جشن تولد گرفتن و غیر آن، برای آن حضرت جایز نیست؛ زیرا این کار از بدعت های جدید در دین است. زیرا رسول خدا صلی الله علیه وآله ، خلفای راشدین و غیر آنها از صحابه و تابعان در قرنهای که برترین قرن بودند، این کارها را انجام نداده اند در حالی که آنها دانایان به سنت بودند و محبت و اطاعت شان به رسول خدا کامل تر بودند.

از رسول خدا صلی الله علیه وآله ثابت شده است که فرمود: کسی که در دین آنچه را که از دین نست وارد سازد، مردود است. و در روایت دیگر فرمود: بر شما است که سنت من و سنت خلفای راشدین را بپذیرید و به آنها تمسک کنید، و با دندان از آن محافظت کنید و از بدعت بپرهیزید؛ زیرا هر چیز جدید بدعت است و هر بدعتی گمراهی است.

(عبد الرحمن بن إسماعيل أبو شامة (متوفى ٦٦٥ هـ)، الباعث على إنكار البدع والحوادث ، ج ١ ، ص ١٠٧ ، تحقيق : عثمان أحمد عنبر ، دار النشر : دار الهدى - القاهرة ، الطبعة : الأولى ، ١٣٩٨ - ١٩٧٨)

#### خلاصه:

از سخنان ابن تیمیه و بن باز (مفتی و هابی) استفاده می‌شود که جشن ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و برگزاری مراسم بدعت است؛ زیرا:

**اولا:** خود رسول خدا این کار را انجام نداده و در خطبه‌ها و سخنانش نیز به آن نپرداخته است؛

**ثانیا:** خلفاء، صحابه و تابعان نیز برای کسی جشن تولد نگرفته اند؛

**ثالثا:** نصارا و یهود چنین مراسمی را برگزار می‌کنند، و اگر مسلمانان چنین جشنی داشته باشند، شبیه یهود و نصارا شده و کارشان بدعت و حرام است.

تا اینجا اصل شبهه از زبان ابن تیمیه و فتوای بن باز و دلایل بدعت بودن جشن مولودی روشن گردید. اکنون پاسخ این سؤال و مسائل فرعی آن را بیان می‌کنیم:

## پاسخ اول

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در سالگرد ولادتش قربانی کرد

فتوای بن باز در حرمت جشن ولادت رسول خاتم (صلي الله عليه وآله) به این دلیل استوار است که جشن سالگرد ولادت، از سوی آن حضرت و صحابه انجام نشده است: لأن الرسول صلى الله عليه وسلم لم يفعله ولا خلفاؤه الراشدون ولا غيرهم من الصحابة.

این معیار در بدعت دانستن بسیاری از افعال و اعمال، از سوی وهابیت مطرح می‌شود و یکی از مصادیقش، موضوع مورد بحث است.

در پاسخ این شبهه باید گفت:

اتفاقاً خود رسول خدا (صلي الله عليه وآله) نیز در سالگرد ولادتش، دوباره جشن عقیقه خودش را (که شکر گزار می‌شود) تکرار کرده است و این مطلب در روایت معتبر اهل سنت آمده و جالب این است که جلال الدین سیوطی یکی از علمای شناخته شده اهل سنت به این روایت بر استحباب جشن مولودی پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) استدلال کرده است.

سیوطی بعد از این که فتوای ابن حجر عسقلانی (که بعداً آن را بیان خواهیم کرد) و استناد وی را به روزه داری یهودیان در روز عاشورا به شکرانه نجات حضرت موسی علیه السلام، بیان کرده، خودش نیز بر استحباب جشن مولودی پیامبر به این روایت استناد کرده و می‌گوید:

قلت: وقد ظهر لي تخريجه على أصل آخر وهو ما أخرجه البيهقي عن أنس أن النبي صلى الله عليه وسلم عق عن نفسه بعد النبوة مع أنه قد ورد أن جده عبد المطلب عق عنه في سابع ولادته والعقيقة لا تعاد مرة ثانية، فيجعل ذلك على أن الذي فعله النبي صلى الله عليه وسلم إظهار للشكر على إيجاد الله إياه رحمة للعالمين وتشريع لأئمة كما كان يصلي على نفسه لذلك فيستحب لنا أيضاً إظهار الشكر بمولده بالاجتماع وإطعام الطعام ونحو ذلك من وجوه القربات وإظهار المسرات.

می‌گویم: برای من جشن مولودی پیامبر بر اصل دیگری آشکار شده است و آن روایتی است که بیهقی از انس روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله بعد از رسیدن به مقام نبوت از جانب خودش عقیقه (قربانی) نمود با آن که طبق روایات، عبدالمطلب برای رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز سوم تولد ایشان عقیقه کرده بود، با این که عقیقه دوباره انجام نمی‌شود؛ پس ایشان این کار را به خاطر شکر و حمد خدا بر این که او را رحمت للعالمین قرار داده انجام داد و خواسته است این کار را برای امت خود تشریح کند؛ چنانکه بر خودش درود می‌فرستاد.

پس برای ما هم مستحب است شکر خدا را به خاطر تولد ایشان با اجتماعات مان به جا آوریم و به فقیران اطعام نماییم و کارهای دیگری را که موجبات خوشحالی است انجام دهیم.

(الحاوي للفتاوي، ج ۱، ص ۱۸۸)

نکته مهم در کلام سیوطی است که می‌گوید: رسول خدا جشن عقیقه را به دو جهت انجام داد؛ اظهار شکر و تشریح این کار برای امت: إظهار للشكر على إيجاد الله إياه رحمة للعالمين وتشريع لأئمة. آنگاه نتیجه می‌گیرد که جشن مولودی هم با این معیار مستحب است: فيستحب لنا أيضاً إظهار الشكر بمولده.

حلبی نیز بعد از نقل روایت تصریح نموده که سیوطی این روایت را به عنوان يك اصل و اساس برای برگزاری جشن مولود پیامبر قرار داده است:

والحافظ السيوطی ... وجعله أصلاً لعمل المولد قال لأن العقيقة لا تعاد مرة ثانية فيحمل ذلك على أن هذا الذي فعله النبي صلى الله عليه وسلم إظهاراً للشكر على إيجاد الله تعالى إياه رحمة للعالمين وتشريعاً لأمته ...

(الحلبی، علي بن برهان الدين (متوفای ۱۰۴۴هـ)، السيرة الحلبیة في سيرة الأمين المأمون، ج ۱، ص ۱۳۰، ناشر: دار المعرفة - بيروت - ۱۴۰۰)

روایت عقیده رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در منابع اهل سنت نقل شده و در این قسمت، سخنانی چند تن آنان را در صحت این روایت ذکر می‌نماییم:

مقدسی بعد از نقل روایت، به صحت سند آن تصریح کرده است:

أخبرنا محمد بن أحمد بن نصر بأصبهان أن الحسن بن أحمد الحداد أخبرهم وهو حاضر ابنا أبو نعيم ابنا سليمان بن أحمد الطبراني ثنا أحمد بن مسعود هو المقدسي قتنا الهيثم بن جميل قتنا عبد الله بن المثنى عن ثمامة بن عبد الله بن أنس عن أنس أن النبي صلى الله عليه وسلم عق عن نفسه بعدما بعث نبيا إسناده صحيح.

(المقدسي الحنبلي، ابو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد (متوفای ۶۴۳هـ)، الأحاديث المختارة، ج ۵، ص ۲۰۴، تحقيق عبد الملك بن عبد الله بن دهيش، ناشر: مكتبة النهضة الحديثة - مكة المكرمة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۰هـ.)

ابو بكر هيثمی نیز می‌گوید:

وعن أنس أن النبي صلى الله عليه وسلم عق عن نفسه بعد ما بعث نبيا رواه البزار والطبراني في الأوسط ورجال الطبراني رجال الصحيح خلا الهيثم بن جميل وهو ثقة.

از انس روایت شده که رسول خدا صلي الله عليه وآله بعد از بعثت از جانب خودش عقیده کرد. این روایت را بزار و طبرانی در اوسط نقل کرده و رجال طبرانی رجال صحیح هستند، جز هيثم بن جميل که آنها هم ثقه است.

(الهيثمی، ابوالحسن علي بن أبي بكر (متوفای ۸۰۷هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۴، ص ۵۹، ناشر: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - ۱۴۰۷هـ.)

دمیاطی نیز سند این روایت را حسن می‌داند و می‌گوید:

وحسن أن يعق عن نفسه كما مر لخبر أنه صلى الله عليه وسلم عق عن نفسه بعد النبوة قال في فتح الجواد وادعاء النووي بطلانه مردود بل هو حديث حسن.

نیکوست که از جانب خود عقیده نماید؛ چنانچه در روایتی که گذشت رسول خدا از جانب خودش بعد از بعثت عقیده انجام داد. در کتاب «فتح الجواد» گفته است: ادعای نبوی بر باطل بودن این روایت مردود است بلکه این روایت حدیث حسن است.

(الدمیاطی، أبي بكر ابن السيد محمد شطا (معاصر) حاشية إعانة الطالبين على حل ألفاظ فتح المعين لشرح قررة العين بمهمات الدين، ج ۲، ص ۳۳۶، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت)

صحابه به شکرانه ولادت و بعثت پیامبر (صلي الله عليه وآله) هر هفته دو شنبه را روزه مي‌گرفتند.

صحابه رسول خدا صلي الله عليه وآله نیز به شکرانه ولادت رسول خدا صلي الله عليه وآله روزهاي دو شنبه را روزه مي‌گرفتند. اين مطلب در روايت صحيح مسلم آمده که از رسول خدا در باره روزه گرفتن روز هاي دوشنبه سؤال کردند، حضرت فرمودند:

اين روز زوي است که من به دنيا آمده ام و به پیامبري مبعوث شده ام:

۱۱۶۲ حدثنا محمد بن الْمُتَنَّى وَمُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ وَاللَّفْظُ لِابْنِ الْمُتَنَّى قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ غِيْلَانَ بْنِ جَرِيرٍ سَمِعَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مَعْبُدٍ الزَّمَانِيَّ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ عَنْ صَوْمِهِ قَالَ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِبَيْعَتِنَا بَيْعَةً ... قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ وَإِفْطَارِ يَوْمٍ قَالَ ذَلِكَ صَوْمُ أَخِي دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ قَالَ ذَلِكَ يَوْمٌ وُلِدْتُ فِيهِ وَيَوْمٌ بُعِثْتُ أَوْ أُنْزِلَ عَلَيَّ فِيهِ ...

ابو قتاده انصاري مي‌گويد: از رسول خدا صلي الله عليه وآله در باره روزه گرفتن سؤال شد، آن حضرت خشم کرد . عمر گفت: ما راضي هستيم که خداوند پروردگار ما، اسلام دين ما و محمد پیامبر ما و بيعت ما بيعت ما است. ...

راوي مي‌گويد: از رسول خدا سؤال شد، اگر يك روز روزه بگيريم و يك روز افطار كنيم، فرمود: اين روزه برادرم داود عليه السلام است. از روزه گرفتن روز دوشنبه سؤال شد، حضرت فرمود: اين روزي است که من به دنيا آمده ام و مبعوث به رسالت شده ام يا وحي بر من نازل شده است...

(صحيح مسلم، ج ۲، ص ۸۱۹)

اين روايت صراحت دارد که از روزه روز دوشنبه سؤال کردند و حضرت روزه گرفتن در اين روزه به اين دو مناسبت تأييد کردند.

عبدري مالكي بعد از اين که به قسمتي از اين روايت اشاره دارد، بزرگداشت اين روز را بزرگداشت ماه ربيع الاول مي‌داند و مي‌گويد:

فتشريف هذا اليوم متضمن لتشريف هذا الشهر الذي ولد فيه فينبغي أن نحترمه حق الاحترام ونفضله بما فضل الله به الأشهر الفاضلة.

بزرگداشت اين روز، به منزله بزرگداشت اين ماه است که رسول خدا صلي الله عليه وآله در آن متولد شده است. پس سزاوار است که آن را محترم بشماريم و حق احترام را اداء كنيم و آن را بر ساير ماه ها برتري دهيم به سبب آنچه خداوند آن را برتري داده است.

(المدخل ج ۲، ص ۳، أبو عبد الله محمد بن محمد بن محمد العبدي الفاسي المالكي الشهير بابن الحاج الوفاة: ۷۳۷هـ، دار النشر: دار الفكر - ۱۴۰۱هـ - ۱۹۸۱م)

بنابراين ، سخن افراي که بزرگداشت اين روز را به بهانه اي اين که صحابه در اين روز کاري انجام نداده اند، زير سؤال مي‌برند و عيد و جشن را بدعت مي‌دانند، باطل است

جشن ولادت، جشن شکر اعطای نعمت وجود پیامبر (صلي الله عليه وآله) است

نعمت هايي را که خداوند متعال براي افراد بشر ارزاني داشته، بي حد و بي شمار است. يکي از نعمت هاي الهي، وجود مبارک رسول خدا صلي الله عليه وآله است که به واسطه ايشان جهان انسانيت از گمراهي و جهل جاهليت نجات يافت.

با اين توضيح، از نظر مسلمانان، جشن ولادت، جشن شکر گذاري و سپاس از اعطاء وجود پیامبر (صلي الله عليه وآله) است.

و از طرفي، شکر نعمت نیز واجب و امر پسندیده و عقلائي است و هیچگونه منع شرعي نیز در اين باره وجود ندارد. حال سؤال اين است که آیا شکر نعمت نیز از نظر وهابيت بدعت است؟

ابن حجر عسقلاني از علمای مشهور اهل سنت، ولادت پیامبر اکرم صلي الله عليه وآله را از نعمت هاي بزرگ الهي دانسته و در عبارت صريح و روشن، جشن ولادت آن حضرت را از مصاديق شکر نعمت محسوب مي نمايد.

نکته مهم در سخنان وي اين که فتواي خود را در جواز جشن مولودي، مستند به روايت صحيح نموده که در آن رسول خدا صلي الله عليه وآله عمل جشن يهوديان را براي شکر گذاري غرق شدن فرعون و نجات حضرت موسي تقرير کرده است. ابن حجر از اين روايت صحيح نتيجه مي گيرد که اگر به قصد شکر گذاري، اين گونه مراسم برگزار شود، جايز است.

متن فتواي ايشان به نقل سيوطي اين است:

وقد سئل شيخ الإسلام حافظ العصر أبو الفضل أحمد بن حجر عن عمل المولد فأجاب بما نصه : أصل عمل المولد بدعة لم تنتقل عن أحد من السلف الصالح من القرون الثلاثة ولكنها مع ذلك قد اشتملت على محاسن وضدها ، فمن تحرى في عملها المحاسن وتجنب ضدها كان بدعة حسنة وإلا فلا .

از شيخ الاسلام حافظ زمان، ابو الفضل احمد بن حجر در باره جشن ولادت پیامبر سؤال شد و پاسخ ايشان اين است:

اصل جشن ولادت، امر جديدي است که از گذشتگان صالح در قرن سوم نقل نشده است؛ اما در عين حال، مشتمل بر خوبي و بدبها است؛ پس اگر کسي کار خوبيش را انجام دهد و از کار بدش دوري کند، عملش بدعت نيکوست.

ايشان بعد از اين فتوا، سخنان خود را مستند به روايت صحيح مي نمايد و مي گويد:

قال : وقد ظهر لي تخريجها على أصل ثابت وهو ما ثبت في الصحيحين من أن النبي صلى الله عليه وسلم قدم المدينة فوجد اليهود يصومون يوم عاشوراء فسألهم فقالوا هو يوم أغرق الله فيه فرعون ونجى موسى فنحن نصومه شكراً لله تعالى.

فیستفاد منه فعل الشکر لله علی ما من به فی یوم معین من إساءة نعمة أو دفع نقمة ، وبعاد ذلك فی نظیر ذلك الیوم من کل سنة ، والشکر لله یحصل بأنواع العبادة کالسجود والصیام والصدقة والتلاوة ، وأي نعمة أعظم من النعمة بیروز هذا النبی نبی الرحمة فی ذلك الیوم ، وعلی هذا فینبغی أن یتحرى الیوم بعینه حتی یطابق قصة موسى فی یوم عاشوراء ، ...

وأما ما یعمل فیہ فینبغی أن یقتصر فیہ علی ما یفهم الشکر لله تعالی من نحو ما تقدم ذكره من التلاوة والإطعام والصدقة وإنشاد شیء من المدائح النبویة والزهدیة المحركة للقلوب إلی فعل الخیر والعمل للأخرة...

برای من روشن شده است که جشن مولود، ریشه در اصل ثابتی دارد که در صحیحین ثابت شده و آن این که رسول خدا صلی الله علیه وآله در مدینه تشریف آوردند، یهودیان در روز عاشورا روزه می‌گرفتند، حضرت دلیل آن را از آنان سؤال نمود. آنها گفتند: این روزی است که خداوند فرعون را غرق نمود و موسی را نجات داد، ما برای انجام شکر خدا این روز را روزه می‌گیریم.

این حجر می‌گوید: از این روایت استفاده می‌شود که انجام شکر خدا بر آنچه که خداوند در یک روز معین بر انسان منت نهاد، همانند: اعطاء نعمت و یا دفع عقوبت، لازم است. این شکر بر نعمت الهی در هر سال و در این روز معین بر می‌گردد. و شکر گذاری برای خدا با انواع عبادت همانند: سجده کردن، روزه گرفتن، صدقه دادن، تلاوت قرآن حاصل می‌شود. و چه نعمتی بزرگتر از نعمت وجود پیامبر رحمت در این روز است؟ بنابراین، این روز سزاوار شکر گذاری است تا با داستان نجات حضرت موسی در روز عاشورا مطابقت کند.

اما اعمالی که در این روز انجام می‌شود باید مصداق شکر خداوند باشد. همانند: تلاوت قرآن، اطعام کردن، صدقه دادن، مدیح سرایی در مقام نبوت، و چیزی که دل‌های انسان را به سوی انجام خیر و عمل آخرت سوق می‌دهد. ...

(السیوطی، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن أبی بکر (متوفای ۹۱۱هـ)، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحديث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، ج ۱، ص ۱۸۸، تحقیق: عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م)

## پاسخ چهارم

علمای اهل سنت جشن ولادت پیامبر (ص) را جایز می‌دانند

با جستجو و دقت در کلمات و فتاوی علمای اهل سنت روشن می‌شود که آنها جشن ولادت آن حضرت را جایز دانسته و از دائره بدعتی که مورد نظر وهابیان می‌باشد خارج می‌دانند و برای آن ثواب و پادشاهی را ذکر کرده اند که با بدعت نمی‌سازد.

سخنان آنها در این موضوع فراوان است. ما جهت رعایت اختصار پاره از سخنان و فتاوی آنها را در این جا ذکر می‌کنیم و همه آنها دلیل برگزاری مراسم جشن را، بزرگداشت مقام پیامبر، عرض ارادت و انجام شکر نعمت وجود آن حضرت می‌دانند.

## ۱. ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ هـ):

ابن حجر عسقلانی از بزرگان اهل سنت شافعی در قرن نهم در پاسخ به سؤالی که از ایشان شده، جشن مولود پیامبر را کار خوب می‌داند. متن سؤال و فتوای ایشان را جناب سیوطی چنین نقل می‌کند:

وقد سئل شیخ الإسلام حافظ العصر أبو الفضل أحمد بن حجر عن عمل المولد فأجاب بما نصه : أصل عمل المولد بدعة لم تنقل عن أحد من السلف الصالح من القرون الثلاثة ولكنها مع ذلك قد اشتملت على محاسن وضدها ، فمن تحرى في عملها المحاسن وتجنب ضدها كان بدعة حسنة وإلا فلا .

از شیخ الاسلام حافظ زمان، ابو الفضل احمد بن حجر از جشن ولادت پیامبر سؤال شد و پاسخ ایشان این است: اصل جشن ولادت يك امر جديدي است که از هیچ یکی صالحان گذشته در قرن سوم نقل نشده است. ولي در عين حال خوبي ها و بديهاي دارد؛ پس اگر کسی کار خوبش را انجام دهد و از کار بدش دوری کرد، عملش بدعت نیکوست.

(السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفای ۹۱۱ هـ)، الحاوي للفتاوي في الفقه وعلوم التفسير والحديث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، ج ۱، ص ۱۸۸، تحقيق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م)

## ۲. جلال الدين سيوطي (متوفای ۹۱۱ هـ)

سيوطي از علمای فقه و تفسیر اهل سنت نیز جشن میلاد رسول خدا صلی الله علیه وآله را بدعت حسنه و داراي پاداش و ثواب می‌داند:

فقد وقع السؤال عن عمل المولد النبوي في شهر ربيع الأول ما حكمه من حيث الشرع؟ وهل هو محمود أو مذموم؟ وهل يثاب فاعله أو لا؟ .

والجواب : عندي أن أصل عمل المولد الذي هو اجتماع الناس وقراءة ما تيسر من القرآن ورواية الأخبار الواردة في مبدأ أمر النبي صلى الله عليه وسلم وما وقع في مولده من الآيات ثم يمد لهم سماط يأكلونه وينصرفون من غير زيادة على ذلك هو من البدع الحسنة التي يثاب عليها صاحبها لمافيه من تعظيم قدر النبي صلى الله عليه وسلم وإظهار الفرح والاستبشار بمولده الشريف.

در مورد اعمالی که در میلاد پیامبر در ماه ربیع الاول انجام می‌شود سؤال شده که آن از نظر شرع چیست و آیا امر پسندیده است یا ناپسند؟ و آیا کسانی که آن را انجام دهد پاداش دارد یا خیر؟

پاسخ: اصل کارهایی که در مولودی انجام می‌شود (همانند: جمع شدن مردم، قرائت قرآن، روایت اخبار در باره آن حضرت، و جریان ولادت و معجزات ایشان و صرف طعام و برگشت آنها به خانه بدون این که چیزی بر این موارد افزوده شود) از بدعت های حسنه است، هر که آن را انجام دهد، ثواب داده می‌شود؛ زیرا این کارها بزرگداشت پیامبر صلی الله علیه وآله و اظهار شادمانی و بشارت به ولادت آن حضرت است.

(الحاوي للفتاوي، ج ۱، ص ۱۸۱)



ایشان در نقد کلام یکی از کسانی که جشن ولادت را صحیح نمی‌دانند می‌گوید:

ولا نية هنا إلا الشكر لله تعالى على ولادة هذا النبي الكريم صلى الله عليه وسلم في هذا الشهر الشريف ، وهذا معنى نية المولد فهي نية مستحسنة بلا شك  
برگزاری جشن ولادت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله، جز به قصد شکر در این ماه شریف برگزار نمی‌شود، این معنای نیت جشن مولودی است،  
پس این نیت، بدون شک خوب و قابل ستایش است.

سبل الهدی والرشاد، ج ۱، ص ۳۷۳)

#### ۴. ابن جزری (متوفای ۸۳۳هـ):

شمس الدین محمد بن محمد جزری شافعی از علمای قرن نهم اهل سنت در کتاب «التعریف بالمولد الشریف» روایت تخفیف عذاب ابو لهب را (که به خاطر خبر تولد پیامبر کنیزش را در راه خدا آزاد کرد) در جهنم ذکر کرده و پس از آن تصریح می‌کند اگر کار ابو لهب کافر باعث تخفیف عذاب وی شود، پاداش آن مسلمان موحدی که در ایام ولادت حضرت خوشحال می‌شود، بهشت خواهد بود و بر این نکته سوگند یاد می‌کند.

این سخن وی را سیوطی در کتاب «الحاوی للفتاوی» نقل کرده است:

ثم رأيت إمام القراء الحافظ شمس الدين بن الجزري قال في كتابه المسمى عرف التعريف بالمولد الشريف ما نصه : قد روي أبو لهب بعد موته في النوم  
فقبل له ما حاله ؟ فقال : في النار إلا أنه يخفف عني كل ليلة اثنين وأمص من بين أصبعي ماء بقدر هذا وأشار لرأس أصبعه وإن ذلك باعقابي لثوية عند  
ما بشرتني بولادة النبي صلى الله عليه وسلم وبارضاعها له.

فاذا كان أبو لهب الكافر الذي نزل القرآن بذمة جوزي في النار بفرحه ليلة مولد النبي صلى الله عليه وسلم به فما حال المسلم الموحد من أمة النبي صلى  
الله عليه وسلم يسر بمولده ويبدل ما تصل إليه قدرته في محبته صلى الله عليه وسلم ؟ لعمرى إنما يكون جزاؤه من الله الكريم أن يدخله بفضل جنات النعيم  
پیشوای قراء، حافظ شمس الدین بن جزری را دیدم که در کتاب «عرف التعریف بالمولد الشریف» می‌گوید: ابولهب را بعد از مرگش در خواب دیدند و  
از حالت سوال کردند گفت: در آتش هستم، فقط در شبهای دوشنبه بر من تخفیف می‌دهند و از بین انگشتانم کمی آب جاری می‌شود (اشاره کرد به سر  
انگشتانش) و این به خاطر این است که من هنگامی که تولد رسول خدا را از ثویبه کنیز خود شنیدم وی را آزاد کردم و چون او به ایشان شیر داد. اگر  
ابولهب کافر (همان کسی که قرآن در مذمتش وارد شده) به خاطر خوشحالی در تولد ایشان در جهنم پاداش داده می‌شود، پس حال مسلمان یگانه پرست  
از امت پیامبر که در تولد ایشان خوشحالی کند و آنچه را در توان دارد در راه محبت آن حضرت خرج نماید، چه خواهد بود. به خانم سوگند، همانا  
پاداش این شخص از خداوند این است که او را به فضل خودش به بهشت نعمت وارد سازد.

(الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر ، ج ۱ ، ص ۱۸۸)

سخاوی شافعی نیز تصریح نموده بر این که مسلمانان در سراسر عالم و شهرهای بزرگ جشن میلاد آن حضرت را با انجام کارهای خیر برگزار می‌کنند. سخن وی را صالحی شامی این گونه نقل کرده است:

قال الحافظ أبو الخیر السخاوی - رحمه الله تعالى - في فتاويه : عمل المولد الشريف لم ينقل عن أحد من السلف الصالح في القرون الثلاثة الفاضلة ، وإنما حدث بعد ، ثم لا زال أهل الإسلام في سائر الأقطار والمدن الكبار يحتفلون في شهر مولده صلى الله عليه وسلم بعمل اللوائم البديعة المشتملة على الأمور البهجة الرفيعة ويتصدقون في لياليه بأنواع الصدقات ويظهرون السرور ويزيدون في المبرات ويعتنون بقراءة مولده الكريم ويظهر عليهم من بركاته كل فضل عميم . انتهى .

حافظ ابو الخیر سخاوی در فتاوی‌اش گفته است: جشن میلاد پیامبر (صلي الله عليه وآله) از هیچ یکی از گذشتگان صالح در سه قرن برتر نقل نشده بلکه بعد از آن به وجود آمده و سپس مسلمانان در سراسر عالم و شهرهای بزرگ در ماه میلاد آن حضرت ولیمه و اطعام می‌دهند و اموری که باعث خوشحالی می‌شوند انجام می‌دهند. همانند: صدقه دادن در شب میلاد، خیران و اطعام به فقراء و قرائت مولودی. با این کار خدای متعال بر آنها بركات خودش را ظاهر می‌سازد.

(سبل الهدی والرشاد، ج ۱، ص ۳۶۲)

سخاوی از علمای شافعی مذهب است. صاحب کتاب «الکواکب» ایشان را این گونه معرفی کرده است:

محمد بن السخاوی: محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد، الشيخ الإمام، العالم العلامة المسند، الحافظ المتقن شمس الدين أبو الخیر السخاوی الأصل القاهري المولد، الشافعي المذهب، ... توفي بمكة، ... سنة اثنتين وتسعمائة،

(الکواکب السائرة بأعيان المئة العاشرة ج ۱، ص ۲۸، نجم الدين محمد بن محمد الغزي (المتوفى : ۱۰۶۱ هـ) الوفاة: ۱۰۶۱، دار النشر)

## ۶. عبد الرحمن ابو شامه (متوفای ۶۶۵ هـ)

ابو شامه یکی از علمای شافعی مذهب، در ابتدا تصریح می‌کند که جشن میلاد پیامبر خدا (صلي الله عليه وآله) از کارهای خوبی است که جدیداً اتفاق افتاده و این کارها نیز به خاطر تعظیم پیامبر و شکر گزارى از خداوند است که وجود آن حضرت را برای ما ارزانی داشته است:

ومن أحسن ما ابتدع في زماننا من هذا القبيل ما كان يفعل بمدينة اربل جبرها الله تعالى كل عام في اليوم الموافق ليوم مولد النبي صلى الله عليه وسلم من الصدقات والمعروف و اظهار الزينة والسرور فان ذلك مع ما فيه من الاحسان إلى الفقراء مشعر بمحبة النبي صلى الله عليه وسلم وتعظيمه وجلالته في قلب فاعله وشكرا لله تعالى على ما من به من ايجاد رسوله الذي أرسله رحمة للعالمين وعلى جميع المرسلين.

از نیکوترین بدعت‌ها در زمان ما آن اعمالی است که در شهر اربل (که خداوند آنجا را آباد کند) هر سال در روزی که مصادف با ولادت پیامبر اسلام صلي الله عليه وآله می‌باشد، انجام می‌دهند. مثل صدقه دادن، نیکی کردن، آیین بندی و اظهار شادمانی. این کارها علاوه بر این که احسان به فقراء است، محبت به رسول خدا صلي الله عليه وآله، تعظیم و بزرگداشت ایشان است در دل‌های کسانی که این کارها را انجام می‌دهند و انجام شکر خداست بر آنچه که خدا بر آنها منت نهاده از این که رسول رحمت را برایشان فرستاده است.

در پایان تصریح می‌کند که اولین مجلس بزرگداشت و جشن مولودی در موصل توسط یکی از صالحان بر گزار شده است:

وكان أول من فعل ذلك بالموصل الشيخ عمر بن محمد الملا أحد الصالحين المشهورين وبه اقتدى في ذلك صاحب أربل وغيره رحمهم الله تعالى.  
نخستین کسی که این کار را در موصل انجام داد، شیخ عمر بن محمد ملا، یکی از صالحین مشهور بود و به این کار او صاحب اربل و غیر وی که خداوند آنان را مورد رحمتش قرار دهد، اقتدا کردند.

(الباعث على إنكار البدع والحوادث، ج ۱، ص ۲۳، عبد الرحمن بن إسماعيل أبو شامة الوفاة: ۶۶۵، دار النشر: دار الهدى - القاهرة - ۱۳۹۸ -  
۱۹۷۸، الطبعة: الأولى، تحقيق: عثمان أحمد عنبر)

ابو شامة، یکی از علمای شافعی که محمد بن شاکر وی را به عنوان «امام، علامه ذوالفنون» یاد کرده است:

أبو شامة عبد الرحمن بن إسماعيل بن إبراهيم بن عثمان الإمام العلامة ذو الفنون شهاب الدين أبو شامة المقدسي الأصل الدمشقي الشافعي.

(الكتبي، محمد بن شاکر بن أحمد (متوفای ۷۶۴هـ) فوات الوفيات، ج ۱، ص ۶۱۷، تحقيق: علي محمد بن يعوض الله/عادل أحمد عبد الموجود، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۲۰۰۰م)

سبکی نیز از وی به «احد الائمة؛ یکی از پیشوایان» تعبیر کرده است:

وأبو شامة لقب عليه كان أحد الأئمة.

(السبكي الشافعي، ابونصر تاج الدين عبد الوهاب بن علي بن عبد الكافي (متوفای ۷۷۱هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، ج ۸، ص ۱۶۵، تحقيق: د. محمود محمد الطناحي د. عبد الفتاح محمد الحلو، ناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۳هـ)

#### ۷. نصير الدين مبارك بن يحيى شافعي (متوفای ۶۶۹هـ)

شیخ نصير الدين مبارك بن يحيى شافعي نیز برگزاری مراسم جشن و سرور و ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله را جایز و دارای ثواب و پاداش می‌داند. سخن ایشان را صالحی شامی در کتابش این گونه نقل کرده است:

وقال الشيخ الإمام العلامة نصير الدين المبارك الشهير بابن الطباخ في فتوى بخطه: إذا أنفق المنفق تلك الليلة وجمع جمعاً أطعمهم ما يجوز إطعامه وأسمعهم ما يجوز سماعه ودفع للمسمع المشوق للأخرة ملبوساً، كل ذلك سروراً بمولده صلى الله عليه وسلم فجميع ذلك جائز ويثاب.

شیخ، پیشوا، علامه نصير الدين مبارك، مشهور به ابن طباخ در فتوایی به خط خودش گفته است: هرگاه شخصی در این شب (شب تولد پیامبر) انفاق کند، و گروهی را که احتیاج به طعام دارد، اطعام نماید، و برای آنها چیزی که شیندن آن جایز است بشنوند، و برای مستمعینی که شوق آخرت را دارند، لباسی هدیه بدهد، همه اینها سرور و خوشحالی در ولادت پیامبر صلی الله علیه وآله است و تمام این کارها جایز و پاداش دارد.

(الصالحی الشامی، محمد بن يوسف (متوفای ۹۴۲هـ)، سبل الهدی والرشاد في سيرة خير العباد، ج ۱، ص ۳۶۳، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ)

ابن کثیر دمشقی ایشان را این گونه معرفی کرده است:

الشيخ نصير الدين المبارك بن يحيى بن أبي الحسن أبي البركات بن الصباغ الشافعي العلامة في الفقه والحديث.

شیخ نصیر الدین، مبارک بن یحیی بن ابی الحسن، ابو البرکات بن صباح شافعی، علامه در فقه و حدیث است.

(ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر القرشی (متوفای ۷۷۴هـ)، البداية والنهاية، ج ۱۳، ص ۲۵۶، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت)

## ۸. ابن عباد الرندي (متوفای ۷۹۲هـ):

ابن عباد مالکی نیز از جمله افرادی است که جشن میلاد رسول خدا صلی الله علیه وآله را از اعیاد مسلمانان دانسته و بدعت بودن آن را رد نموده است. سخن وی را محمد بن عبد الرحمن مغربی این گونه نقل کرده است:

قال في رسائله الكبرى ما نصه وأما المولد فالذي يظهر لي أنه عيد من أعياد المسلمين وموسم من مواسمهم وكل ما يفعل فيه ما يقتضيه وجود الفرح والسرور بذلك المولد المبارك من إيقاد الشمع وإمتاع البصر والسمع والتزين بلبس فاخر الثياب وركوب فاره الدواب أمر مباح لا ينكر على أحد قياساً على غيره من أوقات الفرح، والحكم بكون هذه الأشياء بدعة في هذا الوقت الذي ظهر فيه سر الوجود وارتفع فيه علم الشهود وانتشع فيه ظلام الكفر والجدود وادعاء أن هذا الزمان ليس من المواسم المشروعة لأهل الإيمان ومقارنة ذلك بالنيروز والمهرجان أمر مستنقل تشمئز منه القلوب السليمة وتدفعه الآراء المستقيمة.

در کتاب «رسائل الكبرى» نص کلام او این است: آنچه برای من آشکار شده این است که روز میلاد پیامبر (صلی الله علیه وآله) یکی از عیدها و مراسمی از مراسم مسلمانان است. تمام کارهایی را که مسلمانان در آن انجام می دهند به اقتضای خوشحالی و سرور این مولود مبارک است. همانند: روشن کردن شمع، بهره رساندن به چشم و گوش، (منظور مدیحه سرایی و سخنرانی در فضائل پیامبر است) لباس نو پوشیدن، سوار شدن اسب، کار مباح است که برای هیچ فردی زشت نیست؛ همانگونه که در غیر این زمان این موارد جایز است.

اما حکم نمودن به بدعت این موارد در هنگام ولادت آن حضرت (در آن هنگامی که سر عالم وجود به دنیا می آید، نشانه های شهود بلند می شود و تاریکی های کفر و انکار کنار می رود) و نیز این ادعا که روز ولادت از مراسم شرعی برای اهل ایمان نیست و آن را با نوروز و همایش مقایسه می کنند، یک امر سنگین است که قلب های سالم از آن ناراحت و اندیشه های درست آن را قبول نمی کنند.

(المغربي، محمد بن عبد الرحمن ابو عبد الله (متوفای: ۹۵۴هـ)، مواهب الجليل لشرح مختصر خليل، ج ۲ ص ۴۰۷، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۸هـ)

اسماعیل بغدادی، ابن عباد را این گونه معرفی کرده است:

ابن عباد الرندي: محمد بن إبراهيم بن أبي بكر عبد الله بن مالك بن عباد التعزي نسبة والرندي بلدا أبو عبد الله المالكي الصوفي الشهير بابن عباد ولد سنة ۷۳۳ وتوفي سنة ۷۹۲ اثنتين وتسعين وسبعمائة من تصانيفه... الرسائل الكبرى في دقائق علم التوحيد والتصوف ومتشابه الآيات والاحاديث.

ابن عباد رندي: محمد بن ابراهيم بن ابوبكر، عبد الله بن مالك بن عباد از جهت نسب و رندي از جهت شهر است. كنيه او ابو عبد الله مالكي صوفي ومشهور به ابن عباد است که در سال ۷۳۳ به دنیا آمده و در سال ۷۹۲ از دنیا رفته است. از جمله کتابهای وی ... و رسائل الكبرى است. ...

(البغدادي، إسماعيل باشا (متوفای ۱۳۳۹هـ)، هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، ج ۶، ص ۱۷۴، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۳ - ۱۹۹۲)

مورخ مشهور ، حسن بن عمر بن حبيب نیز تصریح نموده که روز ولادت پیامبر اسلام را باید عید گرفت و آن را گرامی داشت:

فما أكرم أيام مولده الشريف عند من عرف قدرها وما أعظم برکتها عند من عرف سرها ونشرها وحقیق بیوم کان فیہ وجود النبی أن یتخذ عیدا وخلق بوقت استقرت فیہ غرته أن یعقد طالعا سعیدا إذ قد انبسط فیہ عن جوهره الکنون بیض الشرف و فیہ ظهرت الدرّة المصونة من باطن الصدف وأبرز سابق السعد من کمون العدم وبمکة المشرفة أنجز صادق الوعد بمضمون الکرّم

چه گرامی است ایام شریف ولادت پیامبر صلی الله علیه وآله در نزد کسی که جایگاه آن حضرت را می‌داند. و چه قدر با برکت است این ایام در نزد کسی که اسرار و نشر آن را می‌داند. سزاوار است که روز ولادت وجود پیامبر صلی الله علیه وآله را عید گرفت، و سزاوار است در وقتی که این ماه ظهور می‌کند، طالع خوبی منعقد شود زیرا در این ماه از جوهره عالم و دائره شرف پرده برداشته شد و در این ماه در پنهان از درون صدف بیرون آمد و آن کسی که سعید بود به عرصه وجود پا نهاد و در مکه مشرفه و عده راستین الهی محقق شد.

(الحسن بن عمر بن حبيب (متوفای ۷۷۹هـ)، المقتفی من سیرة المصطفی صلی الله علیه وسلم، ج ۱، ص ۳۲، تحقیق: د مصطفی محمد حسین الذهبی، دار النشر: دار الحديث - القاهرة - مصر، الطبعة: الأولى ۱۴۱۶هـ - ۱۹۹۶م)

#### ۱۰. محمد بن عمر حضرمي شافعي (۹۳۰هـ):

حضرمي شافعي تصریح می‌کند که مردم مکه شب ولادت آن حضرت در محل ولادتش جمع می‌شوند ذکر و دعا می‌خوانند و به این محل تبرک می‌جویند. گروهی از متأخرین نیز بر نیکو بودن این اعمال فتوا داده اند:

قال علماء السير: ولد النبي [صلى الله عليه وسلم] في ربيع الأول، يوم الاثنين بلا خلاف... وذلك ب (مكة) المشرفة، في شعب أبي طالب، وهو المكان الذي يجتمع فيه أهل (مكة) ليلة المولد الشريف، للذكر والدعاء والتبرك بمسقط رأسه [صلى الله عليه وسلم]. وأفتى جماعة من المتأخرين بأن عمل المولد على هذا القصد حسن محمود.

سیره نویسان گفته اند: رسول خدا صلی الله علیه وآله در ماه ربيع الاول روز دوشنبه به دنیا آمد و در این مسأله اختلافی نیست. ... تولد پیامبر در مکه مشرفه در شعب ابو طالب اتفاق افتاد. این جا همان مکانی است که اهل مکه شب ولادت آن حضرت جمع می‌شود و ذکر و دعا می‌خوانند و به محلی که حضرت به دنیا آمده تبرک می‌جویند. گروهی از متأخرین فتوا داده اند که اعمال روز ولادت با این هدف و قصد يك امر نیکو است.

(الحضرمي الشافعي، محمد بن عمر بحرق (متوفای ۹۳۰هـ)، حقائق الأنوار ومطالع الأسرار في سیرة النبي المختار، ج ۱، ص ۱۰۵، تحقیق: محمد غسان نصوح عزقول، دار النشر: دار الحاوي - بيروت، الطبعة: الأولى ۱۹۹۸م)

## نتیجه

جمع بندی سخنان علمای اهل سنت این است که جشن میلاد پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، بزرگداشت و تعظیم مقام بلند آن حضرت، نشانه ارادت و محبت، شکر گذاری از نعمت وجود با برکت آن حضرت است. با این بیان، جشن میلاد با آن کارهای خیری که در آن انجام می‌شود، از دائره بدعت مورد نظر وهابیان خارج است

بر مبنای اهل سنت، جشن میلاد بدعت حسنه است.

علمای اهل سنت، بدعت را بر دونوع بدعت حسن (نیکو) و بدعت قبیح تقسیم کرده اند. سمعانی در کتابش می‌نویسد:

والبدعة على وجهين بدعة قبيحة وبدعة حسنة.

(الانتصار لأصحاب الحديث، ج ۱، ص ۲۸، منصور بن محمد السمعاني أبو المظفر الوفاة: ۴۸۹ هـ، دار النشر: مكتبة أضواء المنار - السعودية - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد بن حسين بن حسن الجيزاني)

برخی از علمایی که سخنانشان را نقل کردیم، این موضوع را بدعت حسنه دانسته به این مطلب تصریح کرده اند.

علاوه بر آنها، حلبی از ابن حجر هیتمی نقل کرده است کارهایی که در مراسم میلاد پیامبر صلی الله علیه وآله انجام می‌شود، داخل در بدعت حسنه است:

وقد قال ابن حجر الهيثمي والحاصل أن البدعة الحسنة متفق على ندبها وعمل المولد وإجتماع الناس له كذلك أي بدعة حسنة.

ابن حجر هیتمی گفته است: خلاصه این است که بدعت حسنه با اتفاق امر مستحب است و کارهایی که در میلاد پیامبر (صلی الله علیه وآله) انجام می‌شود و مردم برای جمع می‌شوند نیز همچین است؛ یعنی بدعت حسنه است.

(السيرة الحلبية ج ۱، ص ۱۳۷)

حتی از نظر ابن تیمیه با معیاری که ارائه داده، جشن میلاد رسول خدا صلی الله علیه وآله در نوع بدعت حسنه داخل می‌شود. او می‌گوید:

إذا البدعة الحسنة عند من يقسم البدع إلى حسنة وسيئة لا بد أن يستحبها أحد من أهل العلم الذين يقتدى بهم ويقوم دليل شرعي على استحبابها.

بدعت حسنه را در نزد کسانی که بدعت را به حسنه و سیئه تقسیم می‌کنند، باید یکی از اهل علم که مورد اقتدای مردم باشد، مستحب بداند و دلیل شرعی بر استحباب آن باشد.

(کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه فی الفقه ج ۲۷، ص ۱۵۲)

خلاصه سخن ابن تیمیه این است که از نظر طرفداران بدعت حسنه، يك امری وقتی بدعت حسنه محسوب می‌شود که یکی از علماء، این امر مستحب بداند، در حالی که ابن حجر هیتمی به نقل حلبی صریحاً می‌گوید، اعمال جشن میلاد و اجتماع مردم در آن، در بدعت حسنه داخل است و بدعت حسنه هم به اتفاق علماء، مستحب است

## آثار معنوي جشن ميلاد پيامبر (صلي الله عليه وآله) در كلام علماي اهل سنت

ممکن است در اذهان برخي اين سؤال مطرح شود که آیا بزرگداشت ولادت پيامبر صلي الله عليه وآله و جشن و عيد گرفتن اين روز، داراي ثواب و پاداش هم مي‌باشد يا خير؟

در پاسخ اين سؤال سخنان چند تن از علماي اهل سنت را ذکر مي‌کنيم که تنها گوشه از ثواب هاي مجلس بزرگداشت و جشن ولادت آن حضرت را بيان کرده اند.

### ۱. جلال الدين سيوطي:

سيوطي از علماي مشهور اهل سنت در کتاب «الوسائل في شرح الشمائل» براي جشن مولودي فضائل و مناقبي را بيان کرده است که آن را دمياطي در کتابش چنين نقل کرده است:

قال سلطان العارفين جلال الدين السيوطي في كتابه الوسائل في شرح الشمائل ما من بيت أو مسجد أو محلة قرىء فيه مولد النبي الا حفت الملائكة بأهل ذلك المكان وعهمم الله بالرحمة والمطوقون بالنور يعني جبريل وميكائيل وإسرافيل وقرائيل وعينائيل والصفافون والحافون والكروبيون فإنهم يصلون على ما كان سببا لقراءة مولد النبي.

قال وما من مسلم قرىء في بيته مولد النبي إلا رفع الله تعالى القحط والوباء والحرق والآفات والبليات والنكبات والبغض والحسد وعين السوء واللصوص عن أهل ذلك البيت فإذا مات هون الله تعالى عليه جواب منكر ونكير وكان في مقعد صدق عند مليك مقتدر

سلطان عارفان جلال الدين سيوطي در کتاب «الوسائل في شرح الشمائل» گفته است: در هر خانه ، مسجد ، يا محله اي که در آن مولودي پيامبر خوانده شود، فرشتگان اهل آن مکان را همه در حيطه رحمت الهي و نور قرار مي‌دهد. مقصود از فرشتگان، جبرئيل، ميکائيل، اسرافيل، قربائيل، عينائيل، صافون و حافون و کربيون است؛ زیرا آنها درود مي‌فرستند بر کسانی که سبب مولودي خواني پيامبر مي‌شوند.

و نیز گفته است: در هر خانه مسلماني که مولودي پيامبر خوانده شود، خداوند متعال گرسنگي، وبا، آتش سوزي، آفات و بليات ، کينه، حسادت، چشم بد، شر دزد را از اهل اين خانه بر مي‌داند. هنگامی که بميرد، خداوند پاسخ منکر و نکير را بر وي آسان مي‌کند و او در جایگاه راست گويان در نزد خداوند خواهد بود.

(إعانة الطالبين، ج ۳، ص ۳۶۵)

### ۲. امام يافعي:

به نقل دمياطي، يافعي نیز تصريح مي‌کند، کسی که در ميلاد پيامبر اطعام و احسان مي‌کند و مردم را براي اين مراسم دعوت مي‌کند، خداوند او را با صديقان، شهداء و صالحين محشور مي‌کند و جایش در بهشت است:

وقال الإمام الياضي اليمنى من جمع لمولد النبي إخوانا و هيأ طعاما وأخلى مكانا وعمل إحسانا وصار سببا لقراءة مولد الرسول بعثه الله يوم القيامة مع الصديقين والشهداء والصالحين ويكون في جنات النعيم.

امام يافعي يمني گفته است: هر کسی براي مراسم مولودي پيامبر ، برادران ديني اش را جمع کند، براي آنها طعامي آماده نمايد، و مكاني را براي مراسم آماده سازد و اعمال نيك انجام دهد، و سبب مولودي خواني و مديحه سرايي شود، خداوند او را در روز قيامت با صديقان، شهداء و صالحين محشور مي‌کند و در بهشت از نعمات الهي بهرمنند خواهد بود.

إعانة الطالبين، ج ۳، ص ۳۶۵

ایشان صرف حضور در جشن میلاد پیامبر صلی الله علیه وآله را رسیدن به ایمان می‌دانند. سخن وی را دمیاطی چنین نقل کرده است:  
قال الجنیدی البغدادي رحمه الله من حضر مولد الرسول وعظم قدره فقد فاز بالإيمان.

جنیدی بغدادی گفته است: کسی که به جشن مولودی پیامبر حاضر شود و جایگاهش را بزرگ بداند، به ایمان دست پیدا می‌کند.

(الدمیاطی، ابي بكر ابن السيد محمد شطا (معاصر) حاشية إعانة الطالبين على حل ألفاظ فتح المعين لشرح قرّة العين بمهمات الدين، ج ۳، ص ۳۶۴، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت)

#### ۴. سري سقطي:

سري سقطي سخن نابي در اين زمينه دارد و آن اين كه هر كسي نيت داشته باشد در مجلس ميلاد پيامبر صلي الله عليه وآله شركت كند، او قصد باغي از باغهاي بهشت را کرده است:

وقال السري السقطي من قصد موضعا يقرأ فيه مولد النبي صلى الله عليه وسلم فقد قصد روضة من رياض الجنة لأنه ما قصد ذلك الموضع إلا لمحبة الرسول وقد قال عليه السلام من أحبني كان معي في الجنة.

سري سقطي می‌گوید: کسی که تصمیم بگیرد در جایی برود که مولودی پیامبر قرائت می‌شود، تصمیم گرفته که در باغی از باغهای بهشت وارد شود؛ زیرا او به خاطر محبت پیامبر قصد این مکان را نموده است، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: کسی که مرا دوست بدارد همراه من در بهشت است.

(إعانة الطالبين ج ۳، ص ۳۶۵)

## پس

از پاسخ های که بیان کردیم چند مطلب به دست می آید:

**اولاً:** وهابیت ادعا دارند که خود رسول خدا صلی الله علیه وآله جشن و سالگرد نگرفته است. در حالی که دو تن از علمای اهل سنت همانند ابن حجر عسقلانی و جلال الدین سیوطی جشن میلاد آن حضرت را بر اساس دو روایت صحیح می‌دانند. و در یکی از این روایات تصریح شده است که رسول خدا در سالگرد تولدش بعد از چندین سال، جشن عقیقه گرفت و قربانی انجام داد.

**ثانیاً:** گفته اند صحابه نیز در سالگرد میلاد آن حضرت جشن نگرفته اند در حالی که طبق روایت صحیح مسلم، صحابه هر هفته روز دوشنبه را به مناسبت این که رسول خدا صلی الله علیه وآله در آن روز به دنیا آمده و نیز مبعوث به رسالت شده، روزه می‌گرفته اند.

**ثالثاً:** برگزارش جشن میلاد رسول خدا صلی الله علیه وآله و فرزندش امام صادق علیه السلام، مراسم بزرگداشت و به شکرانه اعطای وجود مبارک این پیشوایان است و بدون شك از نظر هیچ مسلمانی، شکر نعمت الهی قبیح و مذموم نیست.



**رابعا:** از نظر علمای اهل سنت، جشن میلاد آن حضرت کار خوب و پسندیده است؛ زیرا این کار نشانه تعظیم و بزرگداشت پیامبر، اظهار ارادت و شکر گزارى و سپاس از نعمت وجود با برکت آن حضرت است.

**خامسا:** بر مبنای اهل سنت که بدعت را دو قسم می‌داند، برگزاری این گونه جشن‌ها، داخل در بدعت حسنه است. و به ادعای ابن حجر هیثمی اموری در قسمت بدعت حسنه قرار می‌گیرد، مستحب هستند.

### آیت الله سبحانی در درس خارج اصول در مسجد اعظم اظهار داشت:

تمام مسلمانان اعم از اهل سنت و شیعیان روز میلاد رسول اعظم(ص) را جشن می‌گیرند و آن را مبارک می‌شمارند؛ البته اهل سنت این عمل را در روز دوازدهم ربیع الاول و شیعیان در روز هفدهم این ماه آن را انجام می‌دهند.

ایشان با اشاره به بدعت شماری میلاد نبی مکرم اسلام(ص) از سوی وهابیت، ابراز داشت: آنان این روز را بدعت می‌شمارند و قائلند که صحابه چنین روزی را عید نشناخته و جشن نمی‌گیرند و در رسانه‌های خود به شدت تلاش می‌کنند این روز را بدعت اعلام کنند.

این مرجع تقلید با بیان این مطلب که ما از آنان سوال می‌کنیم که آیا افعال صحابه حجت است یا ترکشان؟، خاطر نشان ساخت: شما قائلید که قول صحابه حجت است و ترک آنان حجت نیست؛ پس اگر ترک آنان حجت بود با این مبنا، باید زندگی تمام انسان‌ها تعطیل شود.

حضرت آیت الله سبحانی تصریح کرد: بدعت در جایی است که دلیل عامی در کتاب و سنت نداشته باشیم؛ ولی خداوند متعال در آیات خود فرموده است: **أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ؛** پس معلوم می‌شود آنچه که خدا بزرگ و رفیع کرده محبوب خداست و پیامبر را بزرگ می‌شمارد.

این استاد برجسته حوزه یادآور شد: آیا جشن ما برای پیامبر(ص) و خواندن اشعار برای ایشان، آن حضرت را بلند آوازه می‌کند یا پایین می‌آورد؟ که در پاسخ باید گفت معلوم است که بلند آوازه می‌کند؛ چراکه این جشن نوعی ترفیع ذکر است.

معظم له با اشاره به داستان حضرت مسیح(ع)، اظهار داشتند: این پیامبر آسمانی دعا کرد که برای یارانش مائده آسمانی بفرستند؛ سپس یارانش گفتند اگر چنین کاری کنید ما آن روز را عید می‌گیریم که پس از آن دعا، مائده آسمانی آمد و شکم ۱۲ نفر را سیر کرد؛ بنابراین نصارا این روز را عید می‌گیرند.

ایشان افزود: حال سؤال اینجاست که آیا پیامبر(ص) ما به اندازه مائده سماوی شکم پر کن اجر و قرب ندارد؟ نبی مکرم اسلام(ص) آمدند و جهان را هدایت و تغییر دادند.

این مرجع تقلید با بیان این مطلب که حب النبی از اصول قرآن و اسلام است، ابراز داشت: آیا این اجتماع ما مظهر حب است یا بغض؟ که مشخص است که ما در این اجتماعات، حب خود را اظهار می‌کنیم.

این استاد خارج فقه و اصول حوزه با بیان این که حب تنها عمل نیست؛ بلکه سرور نیز خود حب می‌باشد خاطر نشان ساخت: اجرا کردن امر پیامبر(ص) حب است و یکی از مظاهر آن این است که ما برای ایشان جشن می‌گیریم تا او را بزرگ بشماریم

**مطالعه ی بیشتر:** <http://www.adyannet.com/fa/news/951>